

## **Teaching and Learning Rules and Etiquette in the Process of Education<sup>1</sup>**

### **Esa Bahrami**

PhD. Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. ebahrami1310@gmail.com

### **Abbas Ali Heydari**

Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran (**Corresponding Author**). aa\_heidari@iau\_arak.ac.ir

### **Mahmmod Ghayomzadeh**

Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran. maarefteacher@yahoo.com

### **Abstract**

The purpose of the present study is to review teaching and learning rules and etiquette in the process of education. The method of study was documentary-qualitative by which teaching and learning common responsibilities in educational Fiqh (jurisprudence), teacher and student etiquette before, during, and after teaching as well as their relative rules were explored. The results of the study indicate that teaching and learning etiquette in terms of classification enjoys ethical, spiritual, mental, and technical aspects. The responsibility of teachers and students is different with respect to their role; and their commitment to the implementation of those duties makes the process of education effective. Teaching and learning etiquette in the process of education is classified into three stages before, during, and after teaching which require appropriate behavior from both teachers and students. Teaching and learning rules guarantee personal and social interests of teachers and learners in this world and the hereafter.

**Keywords:** Teaching and Learning Etiquette, Teaching and Learning Rules, Teacher and Learner Responsibilities, Teaching/Learning Process.

---

<sup>1</sup> **The present study is taken from:** a doctoral dissertation entitled: Rules and etiquette of education in Islam.

**Received:** ۲۰۲۱/۰۱/۱۶; **Accepted:** ۲۰۲۱/۰۲/۱۹

## مطالعات فقهی و فلسفی (دوره ۱۲، شماره ۳، پیاپی ۴۷، ۱۴۰۰)

### احکام و آداب تعلیم و تعلّم در حیطه فرایند یاددهی – یادگیری<sup>۱</sup>

عیسی بهرامی

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. ebahrami1310@gmail.com

عباسعلی حیدری

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران (نویسنده مسئول).

aa\_heidari@iaiu\_arak.ac.ir

محمود قیومزاده

maarefteacher@yahoo.com

استاد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی احکام و آداب تعلیم و تعلّم در اسلام در حیطه فرایند یاددهی – یادگیری است. روش تحقیق اسنادی – کیفی بوده و وظایف مشترک تعلیم و تعلّم در فقه تربیتی، آداب مربی و متربی قبل از تدریس، حین تدریس و پس از تدریس و نیز احکام ناظر بر آنها بررسی شد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که آداب تعلیم و تعلّم از نظر طبقه‌بندی دارای ابعاد اخلاقی، روحی، روانی و فنی برخوردار می‌باشد. وظایف معلمان و متعلمان به اقتضای نقش‌آفرینی آنها متفاوت بوده، تقید به اجرای آنها فرایند تعلیم و تربیت را اثربخش می‌سازد. آداب تعلیم و تعلّم در فرایند یاددهی – یادگیری در مراحل قبل از تدریس، حین تدریس و پس از تدریس تفکیک‌پذیر بوده و برای معلم و شاگرد رفتارهای متناسبی را طلب می‌کند. احکام تعلیم و تربیت موجب می‌شود تا منافع معلم و متعلم در سطوح فردی و اجتماعی، در دنیا و آخرت تضمین گردد.

**کلیدواژه‌ها:** آداب تعلیم و تعلّم، احکام تعلیم و تعلّم، وظایف مربی و متربی، فرایند یاددهی – یادگیری.

<sup>۱</sup> پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری با عنوان: احکام و آداب تعلیم و تربیت در اسلام است.

## ۱- مقدمه

فقه تربیتی بخشی از دانش فقه است که به تعیین حکم رفتارهای مریبان و متریبان می‌پردازد. از آنجا که تربیت امری همه جانبه و فراگیر بوده و همه‌ی ابعاد وجودی انسان اعم از جسمی، روانی، اخلاقی و عقلانی را در بر می‌گیرد و برای همه مقاطع عمر انسان از پیش از تولد تا پس از بلوغ و تا دوران جوانی را شامل می‌شود، ضرورت توجه به احکام و آداب فقهی تربیت اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین، فقه تربیتی می‌کوشد تا احکام شرعی را وضع کرده تا در پرتو التزام عمل به آن‌ها جنبه‌های وجودی انسان را پوشش دهد. همچنین موجبات اجرای دقیق احکام فقهی را فراهم آورد (طرقی اردکانی، ابراهیمی، ۱۳۹۷، ص ۴۱).

فرایند تربیت، حیطه‌های فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. پیروی از قواعد مستند معتبر فقهی در فرآیند تربیت تضمین‌کننده‌ی مسئولیت اجتماعی مریبان و متریبان خواهد بود. از آنجا که در سیره انبیای الهی دغدغه‌ی رسیدن به کمال و خوشبختی انسان وجود داشته است، احکام تشریحی و قواعد ناظر بر آن را مبتنی بر سه شاخه‌ی عقاید، اخلاق و فقه عرضه داشته‌اند (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۱۱). فقه اسلامی عهده‌دار اصلاح رفتارهای بشری و تربیت انسان متعالی بوده و فقه قرآنی نمونه‌ی بارز چنین نگرشی به تربیت است. مراجع دینی کوشیده‌اند تا از منابع، آیات، روایات و اجتهاد خویش، احکام فقهی را استخراج و در اختیار همگان قرار دهند (همت بناری، ۱۳۹۶، ص ۴۱).

از آنجا که در مفهوم‌شناسی فقه، احکام تکلیفی و احکام وضعی موضوعیت دارد، در وضعیت‌شناسی تعلیم و تعلم نیز احکام فقهی ناظر بر آن موضوعیت پیدا می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت «فقه چه به لحاظ موضوعی و چه به لحاظ مفهومی با احکام شرعی و تشریح الهی پیوند دارد، برای تنظیم حیات انسان آنچه که به ذات انسان یا افعال او مربوط می‌شود، تعلق می‌پذیرد» (شهید ثانی، ۱۳۸۶، ص ۴۶). کارکردهای فقه تربیتی دامنه‌ی بسیار وسیعی دارد که به ترتیب عبارتند از تعیین تکالیف شرعی در فرآیند تربیت، کشف دیدگاه‌های تربیتی، نظام‌سازی تربیتی با استفاده از احکام فقهی و تحلیل تربیتی آنها. بنابراین، فقه تربیتی بخشی از دانش فقه است که به حوزه‌ی موضوعات تعلیم و تربیت می‌پردازد و به تشریح احکام تکلیفی پنج‌گانه و جوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه در حوزه تعلیم و تربیت مبادرت می‌نماید (رزاقی، ۱۳۸۱، ص ۲۷).

از طرفی مفهوم تعلیم و تعلم دلالت بر نقش‌آفرینی مربی و نقش‌پذیری متربی دارد. در این فرآیند سه تعبیر حرکت ذهن از مجهول به معلوم، دانش‌افزایی و تغییر شناختی پایدار در رفتار متربی مطرح است. تحقق چنین رویکردهایی وقتی به سرانجام مطلوب خود می‌رسد که بر پایه آداب و احکام مبتنی بر فقه تربیتی تنظیم، تحکیم و تسجیل شده باشد (اعرافی، ج ۱۳۹۵، ص ۲۴). در آداب تعلیم و تعلم، مفهوم ادب و الزامات آن بسیار تعیین‌کننده می‌باشد. ادب به مطلق آنچه نیکو است، دلالت دارد. اعم از اینکه هیئت‌ها، فعل‌ها و صفات نیکوی انسانی باشد (اعرافی، ج ۱۳۹۵، ص ۲۵).

این قرائن و شواهد نشان می‌دهد که آداب تعلیم و تعلم و احکام ناظر بر آن که از فقه تربیتی ناشی می‌شود، علاوه بر این‌که بر غنای تعلیم و تربیت می‌افزاید، تأثیرپذیری آن را در روند دستیابی به تکوین متربی، سعادت و رستگاری و دستیابی به کمال تضمین می‌کند. در منابع موجود که درباره آداب تعلیم و تعلم یا فقه تربیتی انتشار یافته، باعث اظهاراتی پراکنده نسبت به وظایف مشترک تعلیم و تعلم در فقه تربیتی شده است. ولی اینکه وظایف مربی و متربی نسبت به خود و دیگران به طور جداگانه و به صورت طبقه‌بندی شده وضع شده باشد، به ندرت مورد توجه قرار گرفته است. همین‌جاء مطالعاتی موجب گردید تا شناسایی آداب و احکام تعلیم و تعلم در فقه تربیتی در دستور کار پژوهش حاضر قرار گیرد.

به منظور استدلال در وجود این خلاء مطالعاتی و نیز پرداختن اجمالی به نتایج تحقیقات پیشین، در اینجا به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود. در کتاب شهید ثانی که با عنوان *آداب تعلیم و تعلم در اسلام* انتشار یافته است، به وظایف معلم و شاگرد در جلسه‌ی درس و نیز وظایف آن‌ها نسبت به خود پرداخته شده، ولی به صراحت به آداب و احکام مربی و متربی نسبت به دیگران به صورت جداگانه پرداخته نشده است.

همچنین در کتاب *آداب مشترک تعلیم و تعلم* اعرافی تلاش شده تا مبانی فقهی آداب و برخی احکام تعلیم و تعلم ارائه گردد. البته در این سلسله مطالعات به تأسیس نظام تربیتی مبتنی بر فقه اسلامی نیز توجه شده است (شهید ثانی، ۱۳۸۶؛ اعرافی، ۱۳۹۵ج). در این مطالعات نیز به نظر می‌رسد طبقه‌بندی آداب تعلیم و تعلم نسبت به دیگران به صورت تفکیک شده مورد غفلت قرار گرفته، هرچند به صورت ضمنی به مواردی از آن‌ها پرداخته شده است. این نکته نوآوری پژوهش حاضر است.

با توجه به شواهد مذکور چنین استنباط می‌شود که تعلیم و تعلم همواره در پرتو فقه تربیتی به سرانجام خود نائل می‌شود. استخراج و اشاعه‌ی آداب و احکام تعلیم و تعلم مبتنی بر فقه تربیتی برای مربیان و متربیان همواره کاربرد داشته است. تنظیم و تدوین آداب و احکامی می‌تواند مورد استفاده دست‌اندرکاران محیط‌های تربیتی از جمله آموزش و پرورش قرار گیرد. با توجه به خلاء مطالعاتی که در پیشینه‌ی پژوهش حاضر مشاهده گردید، این سؤال اساسی مطرح است که آداب و احکام تعلیم و تعلم در حیطه فرایند یاددهی - یادگیری چگونه است؟

روش تحقیق پژوهش حاضر کیفی و اسنادی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها به منابع انتشار یافته در حوزه آداب و احکام تعلیم و تعلم و فقه تربیتی مراجعه شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها توصیفی - تحلیلی بوده و برای انتظام روشمند داده‌ها و پردازش آن‌ها از الگوی کیفی کریپندورف<sup>۱</sup> که ویژه پژوهش‌های کیفی است، بهره‌برداری شد. در این روش مراحل کدگذاری واحد داده، استخراج، طبقه‌بندی، تقلیل، تفسیر، تحلیل و استنباط به صورت متوالی اجرا گردیده تا به سؤالات پژوهش پاسخ داده شود. در این پژوهش وظایف مشترک تعلیم و تعلم، احکام و آداب مشترک تعلیم و تعلم، احکام و آداب یاددهی - یادگیری، مراحل قبل از تدریس، حین تدریس و پس از تدریس مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل اهداف پژوهش در همین راستا صورت‌بندی گردید و در طول فرایند اجرای تحقیق مدنظر قرار داشته است.

## ۲- مفاهیم پژوهش

### ۲-۱- فقه تربیتی

در اسلام برای همه رفتارهای اختیاری انسان احکام شرعی وجود دارد که شامل احکام وضعی و تکلیفی است. نقش فقه تربیتی این است که استحقاق، ثواب و عقاب و احکام شرعی رفتارهای آدمی را تعیین نماید (اعرافی، ب ۱۳۹۵، ص ۱۱۴). بنابراین، هر رفتاری دارای حکم واقعی است و فقیهان در مقام اجتهاد می‌کوشند تا حکم ظاهری واقعی رفتارهای انسان را عیان نمایند. فقه تربیتی برخی از دانش فقه است که به تعیین حکم رفتارهای مربیان می‌پردازد. هرچند که ریشه‌های آن در فقه سنتی به صورت عام وجود دارد (اعرافی، الف ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۶). فقه تربیتی دامنه‌ی گسترده‌ای دارد که از مرحله پیش از تولد، بلوغ، میان‌سالی و بزرگسالی را شامل شده، مقاطع عمر انسان را دربرمی‌گیرد. در عین حال به صورت خاص در تعلیم و تربیت رسمی برای فرایند یاددهی - یادگیری احکام خاصی در نظر گرفته شده است که ابعاد جسمانی، روانی، اخلاقی و عقلانی را شامل می‌شود (رزاقی، ۱۳۸۱، ص ۲۹).

<sup>۱</sup> Krippendorff

احکامی که در فقه تربیتی مطرح بوده است، در تأمین سلامت عقلانی و روانی در سطوح فردی و اجتماعی موضوعیت داشته، تا آنجا که به تفکیک برای مربیان و متریبان کاربرد داشته است (همت بناری، ۱۳۸۹، ص ۱۷). در فرهنگ اسلامی آمده که تعلیم و تربیت چنانچه بر پایه‌ی احکام شرعی صورت پذیرد، منجر به انجام تکالیف شرعی مربی و نیز منجر به دستیابی متریبی به فلاح و رستگاری و قرب الهی می‌گردد (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۱۲). فقه تربیتی یکی از ارکان تربیتی در اسلام است که به تعیین شیوه‌ها، روش‌ها و وضعیت رفتارهای صادر شده در مقام تعلیم و تربیت می‌پردازد. این دانش که حاصل پیوند میان فقه و تربیت محسوب می‌شود، موضوعات تربیتی را از طریق اجتهاد به صورت گزاره‌های فقهی ارائه می‌دهد. آنگاه به انتظام این گزاره‌ها پرداخته، احکام فقهی را ارائه می‌نماید (اعرافی، ۱۳۹۳، ص ۵۲). بنابراین، می‌توان گفت فقه تربیتی در سطح کلان آموزه‌های دینی کاربرد چندگانه دارد. نخست آن‌که به تعیین احکام شرعی در فرایند تربیت پرداخته، به موازات آداب تعلیم و تربیت وجوه محرمات، مکروهات، مستحبات و واجبات را در تعلیم و تربیت آشکار می‌سازد (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۱۵).

در احکام تعلیم به قواعدی مانند علم نافع، ارشاد جاهل، ابواب هدایت، نشر علم و حرمت کتمان علم، قاعده مدارا و اتقان عمل پرداخته شده که در هر یک از آن‌ها ابعاد وجوبی، استحبابی و ترجیحی اعمال و افعال معلمان تشریح گردیده، منافع مادی و معنوی آن‌ها در سطوح فردی و اجتماعی یادآور شده است (برقی، ۱۳۷۱ق، ص ۶۲). بدیهی است که وقتی معلمان در حیطه انجام وظایف خود به رعایت آداب تعلیم مبادرت می‌نمایند، آگاهی از احکام مربوطه موجب می‌شود تا انگیزه‌ی آن‌ها برای اجرای هرچه بهتر وظایف ارتقاء یابد.

همچنین در طبقه‌بندی احکام تعلیم به مواردی چون قاعده امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به خیر، اشاعه بر برّ و تقوا، حرمت اذلال نفس و قاعده تسنن سنّت حسنه پرداخته شده، در مورد هر یک از آن‌ها افعال وجوبی، استحبابی، اجتنابی، مکروهی و ترجیحی آن‌ها آشکار شده است، به گونه‌ای که دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت بر غنای وظایف خود آگاهی یافته به ثواب و عقاب اعمال خود وقوف یابند. بنابراین، احکام تعلیم و تعلم در فقه تربیتی استخراج تربیت را افزون می‌سازد، به گونه‌ای که جامعه‌ی اسلامی نیز از ثمرات آن برخوردار خواهند شد.

این شواهد نشان می‌دهد که فقه تربیتی با آموزش و پرورش ملازم بوده، توجه به آداب و احکام مربیان و متریبان در تعلیم و تربیت در زمره الزامات اجتناب‌ناپذیر تلقی شده، تعالی‌بخش فرایند یاددهی - یادگیری خواهد بود.

## ۲-۲- معناسناسی احکام و آداب تعلیم و تعلم

مفهوم احکام به معنای کلیه دستورهای عملی و فروع دین اسلام در کلیه ابعاد آن است که شامل دستورات و قواعد عبادی، سیاسی، اقتصادی، خانوادگی، قضایی و تربیتی است (خوبی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۳). مفهوم آداب جمع ادب بوده که به مطلق آنچه نکو است، اطلاق می‌شود، اعم از هیئت‌ها، فعل‌ها و صفت‌های نیکو. از این‌رو شامل فرایند یاددهی - یادگیری نیز می‌شود تا تعلیم و تربیت را به احسن وجه رهنمون گردد (شهید ثانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱). آنچه که با عنوان وظایف مربی و متریبی نامیده می‌شود، بر ایفای نقش معلم و متعلم در محیط‌های تربیتی تأکید دارد (باقری، ۱۳۹۵، ص ۵۳). در طبقه‌بندی آداب تعلیم و تعلم صاحب‌نظران روش‌های متفاوتی را اتخاذ نموده‌اند. ابن جماعه آداب معلم را در رابطه با خود، جلسه‌ی درس و در رابطه با شاگردان تفکیک نموده، زوایای گوناگون ارتباط معلم با شاگرد و نیز ویژگی‌ها و صفات متعدد معلم را که از الزامات تعلیم و تربیت بوده، بیان نموده است (اعرافی، ج ۱۳۹۵، ص ۳۴).

همچنین آداب متعلم را در رابطه با خود، استاد و جلسه درس بیان داشته، تعداد سیزده ادب را برای هر یک از آن‌ها برشمرده است. شهید ثانی در طبقه‌بندی آداب تعلیم و تعلم علاوه بر پیروی از طبقه‌بندی ابن جماعه، طبقه‌ی آداب مشترک

بین معلم و شاگرد را در نظر گرفته که در آن به آدابی چون اخلاص، عمل به علم، حسن خلق، عزت نفس، قیام به وظایف دینی و اخلاقی پرداخته است (شهید ثانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۱).

در تألیفاتی مانند آداب تربیت فیض کاشانی، ملا محمد مهدی نراقی، ملا احمد نراقی، کاشف الغطاء، نعیم قاسم، سعدالدین محمد منیر مرسی، بدون آنکه به طبقه‌بندی آداب تعلیم و تعلم پرداخته باشند، به آداب عمومی در این حوزه از قبیل رعایت ادب، تواضع، اخلاق، اخلاص در طلب علم، ترک مجادله با متکلمین، کفایت بر قدر فهم متربیان و حضور قلب در محضر معلم اشاره نموده‌اند. این درحالی است که با پیشرفت علوم و فنون، تکنولوژی آموزشی، تجربیات روانشناسی و دیگر یافته‌های علمی ضرورت طبقه‌بندی دقیق و کاربردی آداب تعلیم و تعلم احساس می‌شود، به ویژه آن‌که در فرایند یاددهی - یادگیری حتی بر طبقه‌بندی آداب قبل از تدریس، حین تدریس و پس از تدریس تأکید می‌شده است.

اعرافی در کتاب *آداب مشترک تعلیم و تعلم طبقه‌بندی جدیدتری* ارائه نموده که در آن آداب و ویژگی‌های روحی و روانی معلم و متعلم در نظر گرفته شده و رفتارها، صفات، هیأت و ویژگی‌های مشترک معلم و متعلم در حیطه‌های شخصیتی و مهارتی بیان گردیده است (اعرافی، ج ۱۳۹۵، ص ۷۶). با این حال، پژوهش حاضر درصدد برآمده تا طبقه‌بندی جدیدتری از احکام و آداب تعلیم و تعلم با تأکید بر فرایند یاددهی - یادگیری ارائه نماید.

## ۲-۳- معاشناسی فرایند یاددهی - یادگیری

یاددهی - یادگیری فرایندی است که در آن معلم و شاگرد در یک رابطه متعامل تلاش می‌کنند تا مفاهیم شناختی یا دانشی انتقال داده شود و امر یادگیری به نحو مطلوب صورت پذیرد. در این راستا مربی و متربی می‌بایست به الزامات تربیتی - آموزشی تقید داشته باشند (سیف، ۱۳۹۶، ص ۶۶). از آنجا که نظریه و عمل تربیتی همان‌گونه که از عقل و تجربه بشری بهره‌مند می‌شود، از سرچشمه‌ی وحی نیز سیراب می‌گردد، ضرورت دارد تا فرایند تعلیم و تربیت با احکام تربیتی در اسلام نیز دلالت داده شود تا در عرصه‌ی نظر و عمل به سامان گردد (عرسان کیلانی، ۱۳۸۶، ص ۸۳). در فرایند تعلیم و تربیت، دستیابی متربی به هویت فردی و جمعی از اهداف غایی محسوب می‌شود. اینجاست که فقه تربیتی در سامانه‌ی معارف دینی اسلام فرایند تعلیم و تربیت را به سامان، اثربخش و متعالی می‌سازد (موسوی، ۱۳۹۵، ص ۱۸).

بنابراین، فقه تربیتی می‌تواند در ایجاد و استخراج گزاره‌های تجویزی به تنظیم و تدوین ساختاری پردازد که نظام تربیتی و اجزای آن را سامان بخشد. از این‌رو فقیهان درصدد برآمدند تا احکام خاصی را در حوزه فرایند تعلیم و تربیت وضع نمایند (اعرافی، ب ۱۳۹۵، ص ۸۱). در آداب تعلیم فرهنگ اسلامی آمده است که حُسن خلق از اهم آداب تعلیم به شمار می‌رود، زیرا علاوه بر گرامیداشت ارزش‌های الهی، بر غنای رابطه‌ی بین معلم و شاگرد می‌افزاید (حلی، ۱۳۸۷ق، ص ۹۴). حفظ شخصیت در فرایند تعلیم و تعلم سازنده و مؤثر می‌باشد، به‌گونه‌ای که در پرتو رعایت حریم شخصی هر یک از طرفین آموزش‌دهنده و آموزش‌گیرنده منتفع گردیده، از برکات آن بهره‌مند می‌شوند (خویی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۹).

داشتن خلوص نیت و صداقت در عمل و گفتار از پیش‌نیازهای تعلیم و تعلم محسوب شده، موجب می‌شود تا تعلیم و تربیت سازنده و تعالی‌بخش گردد (زامل<sup>۱</sup>، ۱۴۲۳ق، ص ۹۸). تواضع و فروتنی و نیز پرهیز از تکبر موجب می‌شود تا فضای تعلیم و تربیت برای رشد و نمو و طی کردن مسیر کمال مهیاء گردد (سدلان<sup>۲</sup>، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۲). صبر و حلم در تعلیم و تعلم موجب می‌شود تا فضایی معنوی، مزیت‌آفرین و نتیجه‌بخش بر تعلیم و تعلم حاکم شود (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۶،

<sup>۱</sup> Zamell

<sup>۲</sup> Sedlan

ص ۱۲۴). داشتن وقار و آرامش در محیط تربیتی علاوه بر این که از هرگونه تنش و خشونت ممانعت می کند، مشارکت کنندگان را از آثار مثبت و سازنده آن بهره مند می سازد (عرسان کیلانی، ۱۳۸۶، ص ۹۴).

موارد مذکور از جمله آداب تعلیم است که در حیطه های اخلاقی و روحی- روانی قابل طبقه بندی می باشد. در عین حال مواردی از آداب تعلیم وجود دارد که در طبقه فنی قرار دارند، مانند مدیریت زمان، مدیریت صدا، اتخاذ روش تدریس مناسب و احراز صلاحیت. متناظر با موارد مذکور، آداب تعلیم در سه حیطه اخلاقی، روحی- روانی و فنی برای شاگردان در نظر گرفته شده است. این آداب موجب می شود تا متریبان با آمادگی کافی در جلسات درس حاضر شوند و با روحیه لازم آراستگی و شهامت کافی و رعایت انضباط در فرایند یاددهی - یادگیری مشارکت داشته باشد. حتی پس از جلسه درس در تکمیل یادگیری، اتخاذ عادات مطالعاتی مطلوب، انجام تکالیف درسی اهتمام داشته باشد تا در نهایت ضمن کسب موفقیت های تحصیلی، از آثار مادی و معنوی در سطوح فردی و اجتماعی در گستره دنیا و عقبی از آن بهره مند گردند.

این شواهد نشان می دهد که فرایند یاددهی - یادگیری قبل از آن که رابطه میان معلم و شاگرد را تبیین نماید، مستلزم رعایت شرایط و اصولی است که مراحل قبل از تدریس، حین تدریس و پس از تدریس را شامل می شود. این طبقه بندی از فرایند یاددهی - یادگیری، لزوم طبقه بندی احکام و آداب ناظر بر آن را که باید به صورت خاص انجام پذیرد، اجتنابناپذیر می نماید.

### ۳- اقوال فقیهان

مفهوم تعلیم و تربیت همواره مورد توجه فقیهان، مصلحان، صاحبان فتاوا و مشهور عدلیه بوده است، به طوری که بعضی از آن ها به صورت عام و برخی دیگر به صورت خاص احکام و آداب ناظر بر تعلیم و تربیت را برای دست اندرکارانش آشکار نموده اند. در اینجا به مواردی از آن ها اشاره می شود: گزاره های تربیتی و اخلاقی بعضاً به صورت بایدهای اعتباری و قراردادی مطرح بوده اند. در حالی که گزاره های انشایی اعم از فقهی و اخلاقی به ویژه در فقه تربیتی، کاربردهای عینی داشته است. در تعلیم و تربیت نمی توان به این گزاره ها بی اعتناء بود (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱).

مشهور عدلیه بر این باورند که احکام فقهی تابع مصالح و مفاسد انسانی اند. احکام فقهی بی ضابطه وضع نشده اند، بلکه براساس اراده حکیمانه خداوند وضع شده و پایبندی به آن ها واجب شمرده شده است. برخی از آن ها جنبه ایجابی و برخی دیگر جنبه سلبی دارد (خویی، ۱۴۱۷ق: ص ۲۹۱). مبانی تربیتی مجموعه ای از «هست ها» می باشد که اصول و روش های تربیتی براساس واقعیت آن ها استنتاج می گردد. این مبانی ملازم بایدهای فقهی بوده، با آن منافات ندارد. بنابراین، فقه تربیتی بر اثرگذاری دانش تربیتی می افزاید (سدلان، ۱۴۱۷ق، ص ۱۳۲).

تأثیرگذاری فقه در حوزه تربیت می تواند به صورت کشف و پیشنهادهای مبانی جدید، اصلاح و تهذیب مبانی موجود و تأیید و رد مبانی موجود تجلی داشته باشد. در این راستا احکام فقه تربیتی علاوه بر غنا بخشیدن به تعلیم و تربیت، در مقام اثبات و استنباط تأثیر بالعرض آداب و احکام در آن نقشی تعیین کننده ای دارد (زامل، ۱۴۲۲ق، ص ۱۲۹). بنابراین، کشف مبانی فقهی تربیت نقش محوری فقیهان است که در راستای مدد به واقعیات آشکار و نهان تعلیم و تربیت خواهد بود. چشم پوشی و کم توجهی نسبت به آداب و احکام ناظر بر فرایند تعلیم و تربیت آثار و پیامد آن را تضعیف می نماید (اعرافی، الف ۱۳۹۵، ص ۹۰).

احکام فقه تربیتی در تحقق اهداف غایی تعلیم و تربیت اثرگذار بوده، به طوری که در باب انسان‌شناسی حوزه‌ی وسیعی را شامل می‌شود. این احکام براساس نیازمندی‌های انسان وضع گردیده و در خود باید‌ها و نبایدهای فقهی مبتنی بر واقعیت‌های تربیتی را تبیین می‌کند (حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۱۲۷).

فقه می‌تواند در اهداف آموزشی و پژوهشی دانش تربیت تأثیر سازنده داشته باشد، به طوری که مسیر تعالی و بالندگی آن را تضمین نماید. هم‌چنین می‌تواند در جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های کلان توسعه دانش تربیت و ترسیم اهداف فعلی و غایی توصیه‌های عملی داشته باشد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۱۴).

فقه تربیتی دارای ماهیت تجویزی و هنجاری است. هم‌چنین روند رشد آدمی در مقاطع سنی را براساس واقعیات روانشناختی مورد توجه قرار می‌دهد. از این منظر می‌توان گفت آداب و احکام فقه تربیتی کارآمدی مراحل تعلیم و تربیت را تضمین می‌کند (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۹۵). در منابع اسلامی گفته شده است حضور نیکو در درس توأم با تمرکز بر معلومات و حُسن سلوک با یکدیگر، دستیابی به علم نافع را برای متعلم مهیاء ساخته، به‌گونه‌ای که از برکات معنوی آن برخوردار می‌گردد (رزاقی، ۱۳۸۱، ص ۳۰). در تعامل معلم با شاگردان، شفقت بر آن‌ها و عدم توقف بر خطاهای آن‌ها، جوئی معنوی را در کلاس فراهم آورده، این رفتار توأم با مهرجویی، صبر و حلم حاجات تعلیم و تربیت و شاگردان را برآورده می‌سازد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۲۷).

در تشریح خلیقات مریبان مواردی چون الگو بودن، به‌کارگیری شیوه‌های صحیح خطابه و تدریس، خوش خلقی، بردباری، عدالت، توازن و تعادل وجود دارد که هر یک می‌تواند آثار سازنده‌ای بر متعلمین داشته باشد. ایفای نقش معلمان دو وجه آشکار و نهان دارد. وجه آشکار آن به افعال معلم در کلاس بازمی‌گردد و وجه نهان آن به خلیقات و اعمال عمومی معلم در جامعه مربوط است (محمودیان و امامی‌راد، ۱۳۹۸، ص ۱۲۹).

مدرس می‌بایست از حیث اعتقادی، اخلاص، سلامت جسمانی، اُتصاف به اخلاق نیکو، وقار، تواضع، همراهی با شاگردان برخوردار باشد تا بتواند تغییرات مثبتی را در متریبان خود فراهم آورد. افراط و تفریط در هر یک از این موارد آفتی بر تعلیم و تربیت خواهد بود (موسوی، ۱۳۹۷، ص ۱۶). آداب شایسته برای متریبان عبارت است از: فراغت بال، خوب گوش دادن، نوشتن، سؤال کردن، فکر کردن، شناخت آرای دیگران، قبول حق، تواضع نسبت به معلم، میان‌روی در خوردن و رعایت مراتب اهمیت در دروس. رعایت این موارد می‌تواند متریبان را در کسب موفقیت‌های آینده تضمین نموده، آن‌ها را برای گذر به مدارج بعدی مهیاء سازد (اعرافی، ب ۱۳۹۵، ص ۱۲۸).

این مستندات نشان می‌دهد حضور سازنده، مؤثر و با کفایت دو گروه معلمان و متعلمان در فرایند تعلیم و تربیت، مستلزم انجام بهینه وظایف، توجه کافی به آداب و احکام ناظر بر آن‌ها، رعایت موازین اخلاقی و شرعی می‌باشد تا حاصل تلاش معلمان و متعلمان در سطوح فردی و اجتماعی و در گستره‌ی دنیا و آخرت از ثواب و برکات کافی برخوردار شود.

#### ۴- مستندات مشهور

تعلیم و تعلم در آموزه‌های اسلامی جایگاه رفیعی داشته است. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که در آن‌ها اشاعه‌ی علم، تربیت و هدایت دیگران از جمله آداب و جویبی و مستحبی شناخته شده، در مقابل، گمراه نمودن دیگران و حتی منع دیگران از دستیابی به علم نکوهش شده است، «و انْ كَثِيراً لَّيُصَلُّونَ بِهَا هَوَاهِمَ بَعِيْرِ عِلْمٍ اِنَّ رَبُّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِيْنَ» (انعام، ۱۱۹). هم‌چنین در آیه‌های (انعام، ۱۴۴؛ نحل، ۲۵؛ لقمان، ۶). تمامی ضلالت‌ها مورد نکوهش قرار گرفته و وعده‌ی عذاب دردناک برای آن داده شده، در حالی که هدایت دیگران، آگاهی، تمشیت و تربیت آن‌ها همواره امری واجب و مستحب معرفی

شده است. در اقوال مفسران قرآن، راهنمایی دیگران بدون علم، در زمره رفتار گمراه کننده، حرام و ناشایست معرفی شده است (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۳۷۲).

از امام کاظم (ع) نقل شده است که: «کسی که مردم را بدون علم فتوا دهد، فرشتگان زمین و آسمان او را نفرین می‌کنند: (برقی، ۱۳۷۱ق، ص ۲۰۵). قاعده‌ی فقهی حرمت تغیر جاهل بر همین اساس وضع شده تا شارع مقدس مسیر هدایت دیگران را بگشاید و گمراه کنندگان را سزاوار نکوهش بداند. اصولاً فقه تربیتی فرایند تعلیم و تربیت را در مسیری استکمالی در جهت رستگاری معرفی نموده تا براساس فطرت انسانی به فضیلت‌های لازم و کمال خود نایل شود (طرقی اردکانی و ابراهیمی، ۱۳۹۷، ص ۵۲). در سیره‌ی معصومین (ع) توجه به تربیت اخلاقی و تخلق به فضایل آن تأکید می‌شده و دو وجه پیشگیرانه و درمان‌گرانه‌جویی آن‌ها توصیه شده است (محمودیان و امامی‌راد، ۱۳۹۸، ص ۱۳۱).

بنابراین، رابطه میان معلم و شاگرد براساس احکام و آداب و وظایف آن‌ها طرح شده تا دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت به رجحان استجابی وظایف خود پایبند باشند (اعرافی، محمودیان و شهامت، ۱۳۹۷، ص ۱۸). در فرایند یاددهی - یادگیری علم نافع مورد توجه می‌باشد که در دو سطح فردی و اجتماعی شامل موضوعات عام و خاص مورد توجه است (همت بناری، ۱۳۸۹، ص ۲۲). آنچه که به عنوان احکام و آداب تعلیم و تعلم مبتنی بر فقه تربیتی بیان شده است، دلالت بر رفتارهای مربی و متربی قبل از تدریس، حین تدریس و پس از تدریس دارد (رفسنجانی مقدم و محمودیان، ۱۳۹۵، ص ۹۹؛ شهید ثانی، ۱۳۸۶، ص ۸۳).

این مستندات نشان می‌دهد که احکام و آداب تعلیم و تربیت در حیطه‌ی فرایند یاددهی - یادگیری از طبقه‌بندی برخوردار است. پایبندی به آن‌ها ضمن این‌که بر غنای تعلیم و تربیت می‌افزاید، اثربخشی آن را موجب می‌شود، تا آنجا که اهداف غایی دستیابی به قرب الهی و رستگاری را فراهم می‌آورد.

## ۵- ادله‌ی قول برگزیده

به طوری که پیشینه پژوهش حاضر می‌دهد، در مورد تعلیم و تعلم در اسلام آرای متنوعی وجود داشته است، ولی صاحب‌نظرانی که به صورت طبقه‌بندی شده احکام و آداب تعلیم و تعلم را ارائه داده باشند، کم‌تر وجود داشته است. مهم‌ترین قولی که در این زمینه وجود دارد، قول شهید ثانی است که در کتاب خود آداب تعلیم و تعلم را در سه بعد وظایف مشترک معلم و شاگرد، وظایف مربی و متربی نسبت به خود و دیگران و نیز وظایف آن‌ها در جلسه‌ی درس ارائه داده است (شهید ثانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۶). در این کتاب به احکام تعلیم و تعلم پرداخته نشده است.

در این راستا، اعرافی در کتاب *آداب مشترک تعلیم و تعلم*، ضمن ارائه طبقه‌بندی دیگری از آداب تعلیم و تعلم به احکام مشترک تعلیم و تعلم نیز پرداخته است. در این طبقه‌بندی آداب اخلاقی شامل تواضع، حسن خلق، عزت نفس، علو همت، اخلاص در یک طبقه قرار داده شده، آداب فنی و مهارتی مانند کتابت، مواجهه با استاد، حاشیه‌نویسی اصولی، روش و مهارت‌های نگارش، آداب حضور در جلسه درس و غیره در طبقه دیگر قرار داده شده است (اعرافی، الف ۱۳۹۵، ج ۷، ص ۷۸). همچنین ایشان در تکمیل طبقه‌بندی، حیطه‌ی دیگری را تحت عنوان آداب و ویژگی‌های روحی - روانی معلم و متعلم از قبیل پاکدلی، تزکیه نفس، قناعت، آراستگی ظاهر، اشتیاق به یاددهی - یادگیری در طبقه‌ای دیگری قرار دادند (اعرافی، الف ۱۳۹۵، ج ۷، ص ۸۰).

یکی از الزامات ضروری برای حضور در جلسات درس برای معلم و متعلم آمادگی قبل از حضور در کلاس است. این آمادگی در ابعاد روحی - روانی، آراستگی، آمادگی ابزاری قابل احصاء می‌باشد. آنچه که به عنوان انگیزه نامیده می‌شود،

ناشی از وجود چنین آمادگی است (اعرافی و مهری رومی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۶). آمادگی قبل از تدریس برای معلم، شامل مهیاء کردن برنامه تدریس، ابزار تدریس و آماده کردن متریبان است (سیف، ۱۳۹۶، ص ۷۹).

مهیاء شدن قبل از یادگیری برای شاگردان، عبارت است از آمادگی روحی، هدف و تمرکز داشتن و همراه داشتن لوازم و کتاب (شهید ثانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳). وظایف حین تدریس معلمان، عبارت است از رعایت منطق علوم، اعتدال در بیان، تأمین شرایط طبیعی کلاس، محبت به شاگردان و توجه به تفاوت‌های فردی آن‌ها. چه بسا اگر به هر یک از این موارد توجه کافی نشود، کوشش‌های معلم بدون نتیجه و بلا اثر گردد (همت بناری، ۱۳۹۶، ص ۵۸).

متقابلاً وظایف حین یادگیری برای شاگردان، عبارتند از: احترام متقابل به دیگران، مشارکت در یادگیری از جمله پرسش و پاسخ، همراهی با شرایط کلاس و سؤال کردن به موقع. به هر میزان که متریبی حضور در کلاس درس را فعال، هشیار و متعامل داشته باشد، از آثار سازنده تعلیم و تربیت برخوردار می‌گردد (محمودیان و امامی‌راد، ۱۳۹۸، ص ۱۳۳).

در وظایف پس از تدریس معلمان در منابع گوناگون مواردی چون دعای پایانی درس، تعیین تکالیف درسی و مواسات با شاگردان، تعاون و همکاری با متریبان ذکر شده است. این وظایف در واقع تکمیل‌کننده‌ی آموزش و تربیت به شمار می‌رود (اعرافی، طرقي و مولودی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۱). در همین راستا، وظایف پس از یادگیری شاگردان نیز احصاء گردیده است، مانند انجام تکالیف درسی، مباحثه توأم با نزاکت، مشارکت در ارزیابی و آزمون‌ها، داشتن زبان قدردانی، داشتن عادات مطالعاتی مؤثر و مطلوب. چه بسا اگر متریبان به این وظایف و تکالیف نپردازند، آموخته‌های کلاسی آن‌ها دست‌خوش فراموشی و یا غیر سازنده گردد (سیف، ۱۳۹۶، ص ۸۳).

ملاحظه می‌شود که فرایند یاددهی - یادگیری در دهه‌های اخیر به موازات تجربیات فقهی و روانشناسی و ضرورت پرداختن به آن‌ها از طبقه‌بندی ویژه و مفاد جزئی و استقرایی برخوردار گردیده است. این اجزاء معلمان و متعلمان را بر آن می‌دارد تا خود را برای برخورداری از مزیت‌های آن مهیاء سازند. آداب و احکام فقه تربیتی از یک طرف، یافته‌های روانشناسی و تجربی از طرف دیگر بر غنای تعلیم و تربیت افزوده است. آن نظام آموزشی که به مجموع این یافته‌ها و آداب و احکام ناظر بر آن اهتمام کافی داشته باشد، خواهد توانست فارغ التحصیلانی کارآمد، مسئولیت‌پذیر و متعهد را به جامعه اسلامی عرضه نمایند.

## ۶- نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی احکام و آداب تعلیم و تعلم در حیطه‌ی فرایند یاددهی - یادگیری انجام گرفت که موضوعی کم سابقه بوده است: نتایج حاصل از این پژوهش به اجمال به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- وظایف مشترک تعلیم و تعلم در فقه تربیتی آدابی از قبیل آداب اخلاقی و فنی، روحی و روانی، آراستگی ظاهر، اخلاص و تواضع و کیفیت حضور در کلاس درس را شامل می‌شود. ضمن اینکه احکام ناظر بر این آداب عبارتند از: قاعده علم نافع، قاعده ارشاد جاهل، ابواب هدایت، نشر علم و حرمت کتمان علم، امر به معروف و نهی از منکر، اعانه‌ی بربر و تقوی.
- وظایف مربی و متریبی نسبت به خود و دیگران، آدابی از قبیل عمل به علم، خودسازی، نظم و انضباط، خودداری از جدال، اهتمام در تعلیم و تربیت، استفاده از امکانات آموزشی، نیکو سخن گفتن، دوری از عیب‌جویی، اهمیت به سلامت جسمانی را شامل می‌شود. احکام ناظر بر این آداب عبارتند از: قاعده عدالت، قاعده عزت اسلامی، قاعده حرمت تغریز جاهل.

آداب مربی و متربی نسبت به فرایند یاددهی - یادگیری به تفکیک مربی و متربی بدین شرح می‌باشد:

### آداب مربی

- قبل از تدریس: آمادگی روحی، مهیاء کردن برنامه تدریس، مهیاء کردن ابزار تدریس، آماده کردن متربیان برای ورود به درس
- حین تدریس: رعایت منطق علوم، اعتدال در بیان، تأمین شرایط فیزیکی کلاس، محبت به شاگردان، توجه به تفاوت‌های فردی متربیان،
- پس از تدریس: دعای پایانی درس، مواسات با شاگردان، تعیین تکالیف درسی، تعامل و همکاری با متربیان. احکام ناظر بر وظایف مربی عبارتند از: رعایت توان و توازن متربی، قاعده مدارا، قاعده اتقان عمل و قاعده تربیت اجتماعی.

### آداب شاگردان نسبت به فرایند یاددهی - یادگیری

- قبل از یادگیری: آمادگی برای حضور در کلاس، هدف داشتن، تمرکز داشتن، همراه داشتن لوازم و کتاب،
- حین یادگیری: احترام متقابل به دیگران، مشارکت در یادگیری، شرکت در پرسش و پاسخ، همراهی با شرایط کلاس، توجه به معلم، سؤال کردن به موقع،
- پس از یادگیری: انجام تکالیف، شرکت در آزمون‌ها، مباحثه‌ی توأم با نزاکت، داشتن زبان قدردانی، رفاقت و مهربانی با همکلاسی‌ها، داشتن عادات مطالعاتی مطلوب.

حکم کلی فقهی که آداب مربی را پوشش می‌دهد، «قاعده اتقان عمل» می‌باشد که متربی را در انجام رفتار مطلوب به احسن وجه تا حصول نتیجه رهنمون می‌شود.

قابل ذکر است که طبقه‌بندی جدید از آداب مربی و متربی در فرایند یاددهی - یادگیری موجب می‌شود تا معلمان و شاگردان در کوتاه‌ترین زمان ممکن به الزامات و وظایف خود دست یابند، درصدد تنظیم رفتار خود نسبت به هر یک از آنها برآیند. این اهتمام اثربخش تعلیم و تعلم را ارتقاء می‌دهد، خصوصاً اینکه این دو قشر بر احکام ناظر بر وظایف خود نیز وقوف یابند، در آن صورت انگیزه بیشتری برای انتفاع از علم نافع در سطح محوری و اجتماعی و در وسعت دنیا و آخرت بهره‌مند گردند. به همین دلیل به دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت پیشنهاد شده است که مفاد این طبقه‌بندی از احکام و آداب تعلیم و تعلم را در سطح مراکز آموزشی اشاعه دهند تا در دسترس معلمان و متعلمان قرار گیرد.

## منابع

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). **التبیان**. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۶.
- اعرافى، علیرضا (۱۳۹۳). **قواعد فقهی**. قم: انتشارات موسسه اشراق و عرفان.
- اعرافى، علیرضا (الف ۱۳۹۵). **فقه تربیتی (مبانی و پیش فرض‌ها)**. قم: موسسه اشراق و عرفان، ج ۷، ۱.
- اعرافى، علیرضا (ب ۱۳۹۵). **تأثیرات فقه بر نظام تربیتی**. راهبرد فرهنگ، ۳۶، ص ۱۱۳-۱۳۱.
- اعرافى، علیرضا (ج ۱۳۹۵). **آداب مشترک تعلیم و تعلم**. تحقیق و نگارش احمد امامی راد. قم: انتشارات موسسه اشراق و عرفان، ج ۷.
- اعرافى، علیرضا؛ طوقی، مجید؛ مولودی، حسین (۱۳۹۷). **بررسی قاعده‌ی فقهی علم نافع در تعلیم و تعلم**. *فقه تربیتی*، ۵(۱۰)، ص ۱۳۷-۱۶۲.
- اعرافى، علیرضا؛ محمودیان، حسین؛ شهامت، احمد (۱۳۹۸). **وظیفه‌مندی عمومی در تربیت اخلاقی و فقه تربیتی**. *مطالعات فقه تربیتی*، ۵(۹)، ص ۷-۳۶.
- اعرافى، علیرضا؛ مهری‌رمی، تقی (۱۳۹۷). **بررسی نقش مدارا در تعلیم و تربیت ارزش‌های عبادی با رویکرد فقهی**. *مطالعات فقه تربیتی*، ۵(۱۰)، ص ۱۱۱-۱۳۶.
- باقری، خسرو (۱۳۹۵). **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**. تهران: انتشارات مدرسه.
- بجنوردی، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق). **القواعد الفقهیه**. قم: نشر الهادی.
- برقی، احمد (۱۳۷۱ق). **المحاسن**. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
- حلی، محمد بن حسن بن یوسف اسدی (۱۳۸۷ق). **ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد**. قم: انتشارات اسماعیلیان، ج ۲.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ق). **محاضرات فی اصول الفقه**. قم: انتشارات انصاریان.
- رزاقی، هادی (۱۳۸۱). **فقه التریبه (تعامل فقه و تربیت)**. پژوهش و حوزه، ۹، ص ۲۵-۳۸.
- رفسنجانی مقدم، مصطفی؛ محمودیان، علی (۱۳۹۵). **نگرشی نو به فقه تربیتی بر پایه فقه القرآن**. مشکوه، ۱۳۳، ص ۹۱-۱۰۸.
- زامل، عبدالحسین (۱۴۲۳ق). **شرح القواعد السعديه**. ریاض: داراطلس الخضراء.
- سدلان، صالح (۱۴۱۷ق). **القواعد الفقهیه اکبری**. ریاض: داربلنسیه.
- سیف، علی اکبر (۱۳۹۶). **روانشناسی پرورشی**. تهران: انتشارات آگاه.
- شهید ثانی، زین‌الدین عاملی جبعی (۱۳۸۶). **منیه المرید آداب المفید و المستفید**. ترجمه و نگارش محمدباقر حجتی. تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ بیست و نهم.
- طوقی اردکانی، مجید؛ ابراهیمی، جواد (۱۳۹۷). **تربیت اجتماعی از منظر فقهی مبتنی بر نظام قواعد فقهی**. *مطالعات فقه تربیتی*، ۵(۹)، ص ۳۷-۶۲.
- عربان کیلانی، ماجد (۱۳۸۶). **سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی**. ترجمه بهروز رفیعی. تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فاضل لنگرانی، محمد (۱۴۲۵ق). **جامع المسائل**. قم: انتشارات امیرالعلم.

- محمودیان، حسین؛ امامی‌راد، احمد (۱۳۹۸). بررسی فقهی سیره معصومین(ع) در تربیت اخلاقی. *مطالعات فقه تربیتی*، (۱۱)۵، ص ۱۲۳-۱۴۳.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). *آموزش فلسفه*. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: انتشارات صدرا، چاپ شصت و ششم.
- موسوی، سید نقی (۱۳۹۵). درآمدی بر فلسفه فقه تربیتی. پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۴(۳۰)، ص ۹-۳۰.
- موسوی، سید نقی (۱۳۹۷). فقه تربیتی در ترازو، ارزیابی نقدها. *مطالعات فقه تربیتی*، ۳۱، ص ۷-۲۱.
- همت بناری، علی (۱۳۸۹). نگاهی به تعامل فقه و تربیت با تاکید بر نقش فقه تربیتی. *معرفت*، (۵۷)، ص ۱۴-۲۸.
- همت بناری، علی (۱۳۹۶). تحلیل تربیتی احکام فقهی عرصه‌ای نو در تعلیم و تربیت اسلامی. *مطالعات فقه تربیتی*، ۴(۷)، ص ۳۷-۶۲.